

آینده تقریب در گرو اثر بخش بودن فرهنگ اسلامی



دکتر محمدعلی آذر شب [1]

فرهنگ، موتور محرکه حرکت جامعه به سوی تولید تمدن است، از این رو، آینده تمدنی ما و به تبع آن تقریب بین مکاتب اسلامی، در گرو اثربخشی فرهنگ ماست.

آینده تقریب مذاهب اسلامی به آینده تمدنی ما بستگی دارد و آیا ما میتوانیم بعد از سقوط، آینده متمدنی داشته باشیم؟ آیا تمدن اسلامی شبیه تمدن های فرعون، ساسانی، بابلی، فرعون و دیگر تمدن های نیست که غالب شد و سپس نابود شد؟ این سؤالات بسیار مهم هستند، زیرا پاسخ به آنها به آینده ملت ما و پروژه رنسانس و در نتیجه با آینده پروژه نزدیکی پیوند خورده است.

تمام تلاش های فکری استعماری، در واقع بر این بود که مسلمانان را متقاعد کنند که اسلام نمی تواند نقشی در زندگی پس از عصر علم و روشنگری داشته باشد و سرنوشت آن باید مانند سرنوشت کلیسای غرب باشد که عرصه را به ذهن بشر واگذار کرد. البته مادی گرایانه.

و در اینجا بود که ایده پایان تاریخ در چارچوب تفکر ماتریالیستی غرب ظاهر شد که یک بار بر زبان مارکسیسم بگوئیم پایان تاریخ جامعه کمونیستی است و دیگر بار بر زبان سرمایه داری غربی بگوئیم که پایان تاریخ تأسیس جوامع لیبرال دموکراتیک است. و همچنین افکار غربی گسترش یافت و سعی داشت در اذهان مسلمانان تثبیت کند که هر پیشرفتی که در تاریخ اسلام رخ می دهد متأثر از تمدن غرب بوده است. در واقع شکست واقعی جهان اسلام در مقابل غرب نه سیاسی بود و نه نظامی، بلکه فرهنگی بود.

در اینجا واژه فرهنگ را تعریف کرده و می گوئیم: فرهنگ موتور محرکه حرکت جامعه به سوی تولید متمدن است. بنابراین، آینده متمدن ما و آینده تقریب بین مکاتب اسلامی به کارآمدی فرهنگ ما بستگی دارد.

ما معتقدیم فرهنگ اسلامی دارای عناصر حرکت با قدرتی است که آن را واجد شرایط بازیافتن نقش خود در پیشبرد راهپیمایی تمدنی امت اسلامی می کند، مشروط بر اینکه عناصر این فرهنگ فعال شوند یا به عبارت صحیح تر عواملی که مانع اثر بخشی آن می شوند برداشته شود.

در فرهنگ اسلامی، پدیده های مثبت بسیاری وجود دارد که راه را برای بازیابی نقش آن هموار می کند، از جمله:

فرهنگ اسلامی با اعتبار ایمان همراه با بعد نامتناهی غیب از انسان پشتیبانی می شود و این اعتبار، همچنان نقش خود را در عبادات، معاملات و رفتار مردم در زندگی ایفا می کند. دیگر این که فرهنگ اسلامی مبتنی بر ارزش های انسانی است که فراتر از تفاوت های ملی، منطقه ای و جغرافیایی است و همین ارزش ها است که امروز امت اسلامی را در بسیاری از مسائل جهان اسلام موضع واحدی اتخاذ می کند.

همچنین فرهنگ اسلامی پیوسته نقش خود را در ایجاد ذائقه واحد نسبت به ادبیات و هنر ایفا می کند، بنابراین با وجود همه عوامل تفرقه بین مسلمانان، ادبیات و هنر آنها همچنان تقریباً یک زبان است.

اما آنچه فرهنگ اسلامی از ابتدای انحطاط خود تا امروز به تدریج از دست داده است، دو عنصر است:

اول: احساس عزت، جهان اسلام از قرن اول هجری با عواملی مواجه بوده که این عزت و غرور را مصادره می کرد، اما انرژی عظیم فرهنگی که اسلام در این ملت نهاده بود از همه آن عوامل فراتر رفت و روند غرور آمیز امت اسلامی، ادامه یافت. اما این عوامل بازدارنده کم کم زیاد شد و با زیاد شدن این عوامل، عزت امت اسلامی رو به افول رفت و لشکرکشی مغول در تحقیر مسلمانان کار خود را انجام داد، اما روند

عزت مسلمانان به کنده و تزلزل ادامه يافت تا اينکه عصر استعمار فرارسيد و بزرگترين ضربه را به غرور و عزت مسلمانان وارد کرد و روند تحقير مسلمانان توسط استعمار تا امروز ادامه دارد.

دوم: آنچه فرهنگ اسلامي از عوامل مؤثري خود از دست داده است، گشايش يا به تعبير قرآني «تعارف» است. همانطور که تعارف و آشنائي بين زن و مرد اساس رشد و نمو کمّی انسان است، تعارف بين مردم و قبائل نيز مبنای رشد کيفی انسان است.

از اين رو دعوت قرآن به تعارف و آشنائي را عامل تکثير انسان مي بينيم و از اينجاست که مي بينيم پس از آشنائي اعراب با ساير اقوام تمدن اسلامي شکوفا شد.

اين بحث که در زمان حکومت عباسيان مطرح شد که آيا تمدن اسلامي عربي است يا فارسي بحثي بيهوده است زيرا اين تمدن، تماماً اسلامي، چرا که فضيلت و برتري آن به اسلام برمي گردد که باعث شد مردم با يکديگر تعامل کرده و اين قاعده که «ارجمندترين شما نزد خداوند با تقواترين شماست» را ملاک تعامل با يکديگر بدانند.

اين تعارف بين مسلمانان از آغاز درگيري هاي صفوي و عثماني رو به افول نهاد و پس از معاهدات تقسيم و ايجاد سدها و مرزها بين مسلمانان، به پايين ترين حد خود رسيد.

جهان اسلام در دوران شکوفايي تمدن اسلامي، دهکده اي بزرگ، شناخته شده، همدل و هميار بود، اما پس از افول تمدن، با وجود انقلاب ارتباطات در جهان، به دولت هاي ازهم گسسته تبديل شد.

پس ما با جنبه هاي مثبت بسيار مهمي روبرو هستيم که حاکی از حيات فرهنگ اسلامي و اثريخشي آن در زندگي مسلمانان است، اما با چالش هايي روبرو هستيم که مهم ترين آنها عبارتند از: بازگشت عزت مسلمانان و همچنين بازگشت تعارف بين آحاد امت اسلام.

از خداوند متعال مي خواهيم که به ملت ما کمک کند تا ملزومات تقريبات را فراهم کند. انه ولي التوفيق

